

تربیت راهی به سوی توسعه ی فرهنگی

نویسنده: علی پژوهنده

چکیده

چنان که از عنوان این نوشتار بر می آید، نویسنده در پی روشن نمودن نقش تربیت در پیشرفت جامعه ی دینی است.

وی در آغاز، با نگرشی کوتاه به موقعیت کنونی جامعه ی دینی و ضروری که نسبت به شرکت در مسابقه ی جهانی پیشرفت بر عهده داریم، امر آموزش پرورش مند را دارای اهمیتی بس شگرف دانسته است. وی سپس با التفات به مصادیق کاربردی آن، انواع تربیت را بیان می دارد، آن گاه به نوع تربیت مورد علاقه ی اسلام، به عنوان مکتب تربیتی، اشاره می کند که با تأکید آن بر سازندگی درون در نخستین گام است. محور بعدی بحث پیرامون علم مفید و نیاز محور است. وی در این قسمت به تربیت علمی در دو شاخه ی نیاز عاجل و آینده اشاره می کند که از دیرباز مورد توجه علمای اسلام بوده است. در همین راستا از فرهنگ تعلیم و تربیت به عنوان جان مایه ی آن که فراگیران دانش را از طفره به تک بعدی شدن دانش مصون می دارد یاد می کند.

نویسنده در پی اشارات فوق نگاهی دارد به عامل گرایش غریبان در سنوات اخیر به عرفانی شدن و غنامندی این ملت از بهترین نوع آن که در همآوردی با تمدن غرب می تواند کارساز باشد.

در ادامه نویسنده به نیاز آینده ی جامعه نگاهی دارد که از اهم آنها عناوین زیر است:

(۱) راهنمایی برای نیل به مرتبه ی کاربردی؛

(۲) فراگیر شدن دانش و فناوری در قالب جنبش نرم افزاری؛

(۳) اشاره ای گذرا به چند محور زیربنایی در جنبش مزبور، همچون

-تولید نظریه؛

-غایت نگرشی تمدن والای ایرانی- اسلامی؛

-و رویکرد سیستمی به امور.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، جنبش نرم افزاری، تولید علم.

مقدمه

از جمله اموری که در هر دوره، به خصوص در این برهه ی زمانی پی گیری آن بر مسلمانان حتم و فرض است، گاهی نسبت به زمانه و مسائل آن است. امام صادق (ع) در سخنانی که با مفضل بن عمر دارد، به او تذکر می دهد که:

آن که نسبت به زمان خود آگاهی داشته باشد، در معرض هجوم مسائل بغرنج و گیج کننده قرار نمی گیرد. (۱)
(کلینی، ۱۳۶۵، ۱/۱۰).

به عبارت دیگر، غافل گیر مسائل زمانه نمی شود.

حیاتی بودن این امر از آن جهت بیشتر رخ می نماید که ما هم اکنون در عصری به سر می بریم که شاخص زمانی پیشرفت را یک میلیونیم ثانیه می دانند، لذا اندکی غفلت از حرکت کاروان بشریت موجب عقب ماندگی فاحش است.

از طرف دیگر، وقتی به شاخص های ارزش گذاری می نگریم، می بینیم که شاخص دانش و تولید اندیشه حرف اول را می زند و در این میدان نیز تنها مقدار دانسته ها عیار سنجش قرار نمی گیرد که بیشتر تأکید بر کشف مسأله است؛ یعنی شاخص ارزش علمی میزان دست یابی به مسأله ها و نه مقدار پاسخ های به دست آمده است. اگر به آموزه های فرهنگ دینی خود با دقت بیشتری- از سر درس آموزی، نه سرگرمی- بنگریم می بینیم آموزه ی کشف مسأله در قالب های متنوعی در آن گنجانیده شده است؛ به عنوان نمونه داستان دست یابی به آب حیات توسط یکی از فرزندان دولت اسکندر ذوالقرنین به نام «خضر نبی (ع)» هرچند در قرآن بدان اشاره نشده است، اما چنان که در برخی منابع تفسیری (عیاشی، ۱۳۸۰، ۶-۳۴۴): اصبغ بن نباته از امام علی (ع) آمده است، حکایت از علاقه ی دیرینه ی انسان آگاه به کشف نقاط مجهول و به اصطلاح «ظلمات الارض» زندگی دارد.

نکته ی جالب توجه در این قصه این است که این «چشمه ی زندگی جاوید»، در «مطلع الشمس» دنیا، یعنی مشرق زمین قرار داشته است.

با این توصف به نظر می رسد موضوع تولید علم و اقتراح اندیشه ی جدید را باید در صدر جدول برنامه ی خود قرار دهیم و از آن به عنوان عیار ارزشی سایر وظیفه ها استفاده کنیم؛ یعنی ارزشمندی هرچیزی به میزان برخورداری آن از این گزینه باشد تا بدان جا که نه تنها در این میدان از دیگران عقب نمانده باشیم، بلکه همچون گذشته ها، پیش قراول نیز بوده باشیم.

تأکید رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای مدظله الوارف بر تولید، بسط و توسعه ی دانش به وسیله ی نیروی خودی تا آن جا که مسأله ی علم محوری به صورت گفتمان غالب جامعه ی ایرانی قرار بگیرد، امر تازه ای نیست. چنان که می دانیم ایشان از دیرباز بر توسعه ی علوم و فنون و مهارت ها، به ویژه ایجاد حرکتی به عنوان نهضت نرم افزاری، تأکید داشته و دارند و این بدان معناست که این موضوع نیاز کنونی و آینده ی جامعه ی ما می باشد، زیرا به قول ایشان: «قرق می کند که انسان یک چیز را از دیگری در حدی که او می خواهد به ما تعلیم بدهد، یاد بگیریم و شاگردی کنیم، یا که همواره شاگرد نماییم» مسلماً دانش استقراضی به طور کامل در اختیار قرار نخواهد گرفت و همچنان نرم افزاری است که قفل شده است و امتیاز آن در اختیار تولید کننده باقی می ماند.

ایشان در دیدار با رؤسای دانشگاهها، موسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی (۲۳/۵/۱۳۸۵) در ضمن سخنانی با تأکید بر لزوم علم گرایی، به عنوان گفتمان مسلط جامعه، بیانات جالبی ایراد فرموده اند که به بخشی از آن

اشاره می شود:

پایه ی فناوری های پیشرفته و رشد تمدن مادی، تمدن مرتبط با مسائل زندگی دانش است؛ اگر بخواهید این دانش را از دیگران بگیرید و خودتان مصرف کننده باشید به هیچ جا نخواهید رسید. باید این دانش در داخل بروید (خبرنامه، ۱۳۸۵، ۲)

مفاد دیگر این سخن حکیمانه این است که در وضعیت کنونی جامعه ی جهانی که سکان امور علمی و فناوری در اختیار غرب مخالف با پیشرفت ماست، اگر بخواهیم در رقابت هموردی های فنی و جهانی موقعیتی به دست بیاوریم، باید به خود بکوشیم و چشم امید به کمک این و آن نداشته باشیم و ناگفته روشن است که نخستین شرط موفقیت نیز در تربیت نیروهای انسانی است که به مثابه پتانسیل های آماده ی جامعه تاکنون همه گونه استعدادها را از خود نشان داده اند.

انبیای عظام (ع) همواره بر فرهنگ موجود زمانه ی خویش مبعوث شده اند، اما کار آنها اصلاح آن و سازگار نمودن مبانی اخلاق آن با ایده ی الهی- انسانی بوده است و به عبارت دیگر، تربیت فرهنگ زمانه در این راه، آنان را از راه راهنمایی و ارشاد، یعنی دو نوع آموزش بیانی و رفتاری، بدین هدف دست می یافته اند که قرآن به عنوان «یَعْلَمُهُم الْكِتَابُ وَالْحِكْمَةُ» یاد می کند. با این حال، کار آنها را «فرهنگ سازی» یا «پرورش فرهنگی» به وسیله ی «آموزش»، می توان نامید.

به اسم «رب» برای تربیت بشر قیام کنید

با الهام از این پندار، سخن را با آیاتی از قرآن در مورد تربیت انسان آغاز می کنیم. چنان که خدا نیز سخن خود را با پیامبر اعظم (ص) چنین آغاز کرده است

به نام پروردگارت که آفرید قرائت کن، آن که انسان را از خون بسته ای آفرینش کرد (۲)(علق، ۲-۱)
دقتی که باید در این دو جمله ی قرآنی بشود، روی دو کلمه ی «رب» و «خلق» و رابطه ی میان این دو است، و این همان چیزی است که یک مربی، معلم و مرشد جامعه بدان التفات داشته باشد.
امام خمینی (ره)، در یکی از خطابه های خود به علما توصیه می نماید که:

باید بفهمد که در این رسالت چه باید بکنید. این کارهایی که بنا دارید بکنید آیا به اسم رب است؟ آیا از اول که شروع می کنید به این که هدایت کنید مردم را- اسلام را معرفی کنید به مردم، ولو همین قدر که می دانید- آیا این به اسم رب است؟ از اسم خدا شروع می شود یا خدای نخواستہ نفسانیت آدم در آن دخالت دارد؟ (امام خمینی، بی تا، ۸/۳۲۹)

رابطه و نسبت بین رب و خدای خالق از طرفی نشان دهنده ی رازی است که میان «خلق» و «هدایت و تربیت» وجود دارد، و از سوی دیگر میان انسان به مثابه یک فراگیر مستعد، و خدای خالق عالم به مثابه مربی و معلم. خداوند در قرآن به همین نکته اشاره دارد، آن جا که از زبان حضرت موسی (ع) به فرعون می گوید:
خدای ما آن است که هر چیزی را تا آفرینش کرد بلافاصله هدایتش نمود (۳) (طه، ۵۵).

همچنان که هدایت همه ی اشیاء را پس از تقدیر جهان انجام داده است (۴) (اعلی، ۳). اکنون پیش از ورود به این بحث باید دید مفهوم تربیت چیست؟ و آن چه اسلام در پی آن می باشد چه نوع تربیتی است.

تربیت مادی و معنوی

پیش از آن که وارد موضوع اصلی بشویم نگاهی هرچند گذرا به مسأله ی تربیت از نقطه نظر کاربرد و استعمال آن می اندازیم. تربیت دو نوع است، مادی و معنوی.

الف- تربیت مادی (Material – training) که آن هم دو نوع است؛ نباتی و حیوانی.

نباتی چون کشف و زرع و پرورش گیاه و درخت؛ که در زبان انگلیسی از آن به Cult و Eduه یاد می شود. از تربیت نباتی پیش از این سخن نمی گوییم، زیرا بیرون از مدار بحث ماست و به نوع دوم، یعنی تربیت حیوانی، می پردازیم که آن نیز به دو بخش تقسیم می شود:

(۱) تربیت عموم جانداران؛ همچون تربیت حیوان برای شکار، انجام کارهای آزمایشگاهی و پیدا کردن اشیای زیرزمین و اهلی کردن برخی حیوانات.

(۲) پرورش انسانی، شامل پرورش اندام و پرورش روان انسانی که در انواع ورزش های جسمی و روحی (Sport of Body & Spirit) نمود می یابد.

ب- تربیت معنوی (spiritual training) نیز دو نوع است؛ فکری، اخلاقی و روحی، و علم، فنی و هنری.

آموزش و ارتقای فنون و مهارت های داخل در تربیت فکری است و تزکیه، تهذیب و آراستگی روحی به کمالات و فضایل، در جهت تمایز بخشیدن انسان نسبت به سایر انواع حیوان، از مقوله ی تربیت علمی است.

یادآوری:

مراقبت (Meditation) و یا آن چه در تعبیر اسلام به عنوان ذکر (Reminiscential) نامیده می شود، عالی ترین نوع تربیت روحی است که اخیراً رویکرد فراوانی در غرب به آن شده و در کشور ما نیز رواج یافته است.

پی نوشت ها:

(۱) العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوابس

(۲) اقرأ باسم ربك الذی خلق الانسان من علق

(۳) قال ربنا الذی اعطى كل شیء خلقه ثم هدی

(۴) والذی قدر فهدی

منبع: اندیشه حوزه، ش ۸۰-۷۹

ادامه دارد...

تربیت راهی به سوی توسعه ی فرهنگی (۳)

نویسنده: علی پژوهنده

نیاز به معنویت و عرفان شرق

انسان از جایی که موجودی دو بعدی است، نیازهای او هم دو بعدی است. اگر انسان بتواند نیازهای خود را در هر دو بعد تأمین نماید، موجودی خوشبخت است والا حقیقت وجودی وی همواره یکی از دو زمینه ی خالی نیاز خود را فریاد می کند و روان او را می آزارد.

غرب از نقطه نظر تأمین نیازهای مادی. به حد قابل قبولی رسیده است، لیکن از نظر تأمین نیازهای معنوی با این که متدین به یکی از ادیان عرفانی نیز هست، خود را نیازمند احساس می کند و از این روی چشم به عرفان شرقی دوخته است.

گیدنز در ضرورت انقلاب فرهنگی، به منظور کنترل نوگرایی مهار نشدنی می گوید: تا زمانی که نهادهای نوگرایی پای برجای اند، ما هرگز نخواهیم توانست مسیر یا سرعت این گردونه را تحت نظارت خود در آوریم. همچنین تا این گردونه در حرکت است، هرگز احساس ایمنی نخواهیم کرد، زیرا مسیر این گردونه سرشار از بیم پیام دهی سهمناک است (ریترز، ۱۳۷۷، ۷۶۴).

به نظر گیدنز، جهان فراسوی نوگرایی، جهانی است که ویژگی آن (اخلاقی شدن دوباره) است. آن قضایای اخلاقی و وجودی بنیادی که از صحنه ی زندگی اجتماعی و فردی بیرون رانده شده اند، دوباره به صحنه حضور می یابند و به نوعی شکلی از صمیمیت را در میان انسانها به ارمغان خواهند آورد (ریترز، ۱۳۷۷، ۷۷۲؛ به نقل از گیدنز: تبدیل شکل صمیمیت ۱۹۹۲، ۵۸).

از این رو، می توانیم چنین برآورد کنیم که جهان را در عصر رو به رو، انقلابی دوباره در پیش است، اما این بار توصیف اخلاقی دارد و نه به معنای عقب گرد و دور ریختن تمدن دوره مدرنیسم است که به معنای اضافه اصل و انطباق دادن دستگاه جامعه با نیازهای به روز شونده ی انسان است؛ انسانی که بیشتر فهمیده است و طبعاً نیازهای نوتری بر سر راه او روییده است.

جونز لانمن (۱)، یکی از نویسندگان غربی، در مقاله ای تحت عنوان «آموزش و پرورش اخلاقی - دینی و رقابت

جهانی» که در اینترنت از وی منتشر گردیده است، به همین موضوع اشاره دارد. وی در این مقاله نیاز بشر به رویکرد تربیت اخلاقی- دینی و توجه به معنویت را یادآوری می نماید. (۲)

آیت الله سید محمد تقی مدرسی در کتاب خود به نام المرأه بین مهام الحياه و مسؤوليات الرساله، ص ۱۱۸ می نویسد:

مطالبه ای که در سایه ی هموردی های گردن کشانه ای که امت اسلامی در سطحی گسترده با آن مواجه است، از ما می شود این است که برای کل جامعه ی اسلامی، عموماً و برای نسل جوان، خصوصاً، برنامه ی تربیتی دقیقی ترسیم نماییم تا در مسیر تربیتی شایسته ای، به معنای واقع کلمه، گام بردارند، چنان که نمونه ی درستی برای انسان برتر واقع شوند.

وی در صفحه ۱۰۹ این کتاب تربیت برتر را «چیزی که بتواند جامعه ای را طوری بسازد که با مشکلات و سختی ها هموردی کرده، تمدن والا و ارجمند را بنا کند» معرفی می کند. (۳)

چه آن که مسأله ی جهانی روز را گفتگوی تمدن ها یا جدال آنها با یکدیگر بنامیم، در هر صورت تنها و تنها دست مایه ی ما شرقیان، که می توانیم برگ برنده ای رو کنیم، دو چیز است؛ یکی حقوق و دیگری اخلاق و معنویت. از این روی، دشمن نیز سعی می کند بیش از اهتمام به خلع سلاح نظامی، همین دو امتیاز را از ما بگیرد تا به کلی خلع سلاح شده باشیم.

نیاز آینده ی جامعه و تربیت همگانی

راهنمایی برای نیل به مرتبه ی کاربردی

رژه گال Roger GAL در کتاب خود به نام اصول راهنمایی در آموزش و پرورش، ۱۰۴۲ (۴) ارتباط تنگاتنگ آموزش و فرهنگ را براساس نظام مبتنی بر راهنمایی بیان می دارد. وی می گوید:

هدف دستگاه فرهنگی این است که فرد را برای وظیفه ی اجتماعی خاصی که با ذوق و استعداد او متناسب باشد آماده سازد... تاکنون کار تربیت، کار کلی و عمومی بوده است؛ یا اگر به فرد و واقعیت خاص او هم توجه داشته این کار را درباره ی اقلیت نادری انجام داده است، اما امروز باید این کار را درباره ی همه انجام داد. این وظیفه ی تربیت و عین عدالت و صلاح جامعه است که حتی الامکان راه بر طبیعت، قریحه و همه ی قوای اشخاص باز شود تا حداکثر خدمتی را که می توانند و باید، برای جامعه انجام دهند. سازگار ساختن این داده های طبیعی با کار تربیت و یا وظیفه و فایده ی اجتماعی آنها شرط نیکبختی افراد و حسن جریان کار جامعه است (شکوهی، ۱۳۸۴، ۹-۲۳۸)

وی دستگاه تربیتی معاصر با به چالش می کشد و می گوید:

دستگاه تربیتی معاصر در سر دو راهی قرار گرفته؛ یا باید به تربیت عمومی و انسانی بپردازد، که ظاهراً برای هر کس مناسب و لازم است، زیرا چنین تربیتی حیات را وسعت می بخشد و به فهم آن چه بالاتر از حیات است و آن را زینت می بخشد و در خور آدمیانش می سازد، مدد می کند، یا باید فرد را هرچه زودتر در تنگ نظری و

محدودیت های تخصص غوطه ور سازد. سرانجام حس خواهیم کرد که بی درنگ پس از یاد دادن اصول مشترک هر قسمت تربیت، چه اندازه ضرورت دارد که هر فرد به سوی آن گونه فرهنگی راهنمایی شود که هم درخور استعداد او است و هم با مقدرات و خواست های اجتماع مطابقت دارد. امروز منظور این نیست که تنها نخبگان کم یابی را که کمابیش به میل خود انتخاب کرده ایم فرهیخته سازیم، هدف این است که ملتی را به سوی فرهنگ سوق دهیم و فرهنگ هایی به وجود آوریم که هر فردی از آن راه بتواند به حداکثر رشد و نمو خود دست یابد (شکوهی، ۱۳۸۴، ۲۴۱).

فراگیر شدن دانش و فناوری در قالب جنبش نرم افزاری

شاید برخی تصورشان از نرم افزار همان نرم افزار رایانه باشد. البته بیهوده نرفته اند، زیرا چیزی برگرفته از جان مایه ی مفهومی همان است. به عبارتی یک امر انتزاعی از فناوری رایانه ای است که در امور مدیریت علمی و فنی دستگاه های جامعه همچون آنها دارای کاربرد موثر است. برداشت دیگری که از این کلمه می توان داشت و مناسبت بیشتری نیز با نیاز فعلی ما دارد، به کارگیری فناوری انسانی، پرورش هوش، رویکرد به سیستم و برنامه، آموزش و پرورش نیازهای انسانی براساس متدهای پیشرفته و آزموده ی منطبق با ابزار سخت افزاری مناسب روز، و چنان که یکی از کارشناسان می گوید، به کارگیری شیوه های تازه و زود انتاج در گزینش و پردازش اطلاعات است. در شروع قرن جدید، کانال های ارتباطی بسیار وسیع شدند و خود دانش نیز، به شدت گسترش یافته است. در هزاره ی جدید نمی توان با قانون مندی های سده ی قبل برای نظامات آموزشی خط و خطوطی ترسیم کرد و نگرانی آنجا ناشی می شود که ما این دوره ی جدید را جدی نگرفته ایم، وضعیت موجود نیز، اصولاً کارایی خود را جهت برآورده کردن نیازهای جدید، از دست داده است.. مهم تر از دادن آگاهی ها، یاد دادن شیوه های گزینش و پردازش اطلاعات است (گویا، س ۷، ۷).

محورهای زیربنایی در جنبش نرم افزاری

(۱) تولید نظریه برای عمل

نظریه یا تئوری theory نمایش و تفسیر مناد ذهنی انسان است که به صورت منسجم در یک قالب بیان می شود، یا چنان که گفته می شود: نظریه بیان منظم و سیستماتیک واقعیت های موجود است که از نظم و منطق درونی برخوردار است (سجادی، ۱۳۸۵، ۱۲).

بدیهی است که نظریه، پیش از آن که علمی شده باشد، یعنی با واقعیت علمی خاصی تطبیق نیافته باشد و سازگاری با آن در دست در نیافته ایم، تنها یک «ایده ی علمی» خواهد بود که منشأ نظریه ی علمی است.

شک نیست که پایه‌ی همه‌ی تولیدات علمی و فرآورده‌ها فرایندگری است که براساس نظریه‌ی خاص آنها رخ می‌دهد؛ چنان که خود نظریه هم به موجب «ایده» پدید می‌آید و این آغازی برای حرکت علمی است، و نسل نو باید برای آن آماده شود و پرورش یابد.

(۲) غایت‌نگری تمدن‌والای ایرانی - اسلامی

ضرورت چنین حرکتی زمانی روشن می‌شود که ابتدا چند گزاره را از نظر بگذرانیم:

الف- ما به عنوان عنصر ایرانی برای پیش از اسلام تمدن بزرگی داشته ایم.

ب- بعد از اسلام نیز با بهره‌گیری از اشارات دینی به مرتبه‌ی والایی رسیده بودیم.

ج- واقعیت این است که ما در برهه‌ی درازی از تاریخ عقب مانده ایم.

د- از مهم‌ترین عامل‌های عقب ماندگی ما استعمار بوده است.

ه- انقلاب اسلامی ما به حیات تازه‌ای داد.

و- پدیده‌ی «مدرنیته غرب»، به عنوان «گلائیاتور فناوری» ما و همه‌ی جهان را به چالش فرا خوانده است.

(۳) رویکرد سیستمی به امور

این محور در سه گزینه قابل تعریف است:

الف- نظم فیزیکی، در مواردی که حضور فرد در قالب زمانی معینی تعریف شده است ضرورت دارد.

ب- نظم منطقی (تابع عقلانیت)، در مواردی که حضور فیزیکی ضرورتی ندارد، بلکه تسلسل تکالیف برنامه‌ای همچون اجزای یک پازل برای تکمیل یک پروژه آن را طلب می‌کند.

ج- حاکمیت نظام به جای اشخاص، به معنای قرار داشتن تمام حرکت‌ها، جابه‌جایی‌ها، فعل و انفعال‌ها، اولاً در قالب سازمان انجام شود و ثانیاً براساس قابلیت‌های کارکردی و تجربی با تطبیق بر معیارهای ارزشی تعریف شده و مصوب سازمانی انجام شود، نه صرفاً براساس خواست و اراده‌ی اشخاص ذی نفوذ در دستگاه (عنوان دستگاه در چنین مواردی شایسته‌تر از سازمان است).

نتیجه‌گیری

فرامد این مبحث را در چند فراز کوتاه بدین گونه می‌توان بازگو نمود.

موقعیت‌شناسی، به خصوص از نظر زمانی، مورد تأکید اسلام بوده است. در فرهنگ دینی ما عقب ماندگی نسبت به دیروز «غبن» تلقی می‌شود (۵) و مسلمانان وظیفه دارند با سلاح ایمان و اندیشه و ابتکار، همواره گوی سبقت و پیشرفت را در هم‌آوردی جهانی برابند و گرنه زیرخاک زبیده‌تر از روی آن خواهد بود. این وظیفه بیشتر در این موقعیت زمانی برای جامعه‌ی دینی ما رخ می‌نماید که داعیه دار نهضت احیای مآثر اسلامی

هستیم.

پیشرفت در هیچ زمینه ای به دست نمی آید، جز به وسیله ی دانش هدفمند و پرورش محور. لیکن شرط اصلی دست یابی بدان، رویکرد به امر نهایی آن، یعنی فرهنگ آموزش – پرورش می باشد که در پیشاوری آن تهذیب درون و خودپالایی قرار داد.

معمولاً ما نسبت به اهداف و عوامل و مسائل اغلب امور مشکلی نداشته ایم آن چه همواره آفت جان ما شده است غفلت از آسیب های خفته و پنهان بوده که همچون یک شبیخون نسبت به ما عمل نموده است. پس توجه و مراقبت مستمر نسبت به آسیب های آموزش – پرورش، شرط موثری در رسیدن به اهداف خویش است. رمز پیشرفت یک جامعه در به روز بودن آن است و این نه به معنای تقلید از دیگران است که معنای عقلانی آن پیش گامی و دست کم عقب نبودن از دیگران از حیث به کارگیری نیروی خرد و دانش و هوش است. روزگار ما را عصر انفجار اطلاعات نامیده اند و این به خاطر انقلاب علمی ای است که صنعت را وارد مرحله ی هوشمند آن نموده است؛ با این توصیف وظیفه ی ما طبعاً روشن می شود و آن رویکرد به نهضت نرم افزاری است. البته قضیه به همین سادگی نیست و «هزاران نکته می باید به غیر از حسن و زیبایی»

پی نوشت ها:

(۱) جونز لانمن Johannes Lahnemann استاد علوم تربیتی در دانشگاه ارلانگن، نورنبرگ آلمان.

(۲) آرشو مجله اندیشه حوزه، گروه علوم و معارف قرآنی.

(۳) به نقل از اینترنت

(۴) ترجمه ی دکتر علیمحمد کاردان، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.

(۵) عن ابی عبدالله انه قال من استوی یوماه فهو مغبون و من کان آخر یومیه خیرهما فهو مغبوط و من کان آخر یومیه شرهما فهو ملعون و من لم یرالزیده فی نفسه فهون الی النقصان و من کان الی النقصان فالموت خیر له من الحیاه (عاملی، ۱۴۰۹، ه، ۹۴)

منابع و مأخذ:

(۱) قرآن مجید

Almodarresi's office - almodarresi@almodarresi.com

(۲) آمدی، عبدالواحد بن محمد تیمی (۱۳۶۶)، غرر الحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

(۳) امام خمینی، روح الله (بی تا)، صحیفه ی نور، ج ۸، لوح فشرده، قم، شبکه ی اطلاع رسانی نور، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

(۴) رژه گال (۱۳۴۵) Roger Gal؛ اصول راهنمایی در آموزش و پرورش، ترجمه ی دکتر علیمحمد کاردان،

تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

(۵) یریترز، جرج (۱۳۷۷) نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه ی محسن ثلاثی، تهران، انتشارات

علمی.

- (۶) عزین الدین بن علی عاملی معروف به شهید ثانی (۱۴۰۹ هـ)، منیه المرید فی اداب المفید و المستفید، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- (۷) سجادی، سید عبدالقیوم، (۱۳۸۵)، نظریه پردازی دینی در حوزه ی سیاست، قم، خبرنگامظ دبیرخانه ی نهضت آزاد اندیشی و تولید علم، ش ۱۳.
- (۸) شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۴)، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، انتشارات به نشر، چاپ بیست و یکم.
- (۹) شیخ صدوق (۱۴۱۳ هـ)، من لا یحصره الفقیه، قم، انتشارات جامعه ی مدرسین (نرم افزار جامع الاحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی)
- (۱۰) طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل (۱۴۱۲ هـ) مکارم اخلاق، قم، انتشارات شریف رضی.
- (۱۱) عاملی، حر (۱۴۰۹ هـ)، وسائل الشیعه، (۲۹ جلد) قم، موسسه آل بیت (ع) (نرم افزار جامع الاحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی).
- (۱۲) عمر هاشم، احمد (۱۴۱۷ هـ) الاسلام و بناء الشخصیه، بیروت، عالم الکتب.
- (۱۳) عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ هـ)، تفسیر العیاشی، (۲ جلد)، تهران، چاپخانه علمیه (نرم افزار جامع الاحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی).
- (۱۴) غنی نژاد، موسی (۱۳۷۱)، پایان تاریخ و آخرین انسان، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ش ۶۳ و ۶۴.
- (۱۵) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، (۸ جلد) تهران، دارالکتب الاسلامیه (نرم افزار جامع الاحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی).
- (۱۶) گویا، زهرا، «مصاحبه»، روزنامه ی ایران، س ۷، شماره ۱۸۸۳.
- (۱۷) مدرسی، سید محمد تقی (بی تا)، المرآت بین مهام الحیاه و مسؤولیات الرساله، نشر:
- (۱۸) ورام، ابن ابی فراس (بی تا)، مجموعه ورام، جلد ۱، قم، انتشارات مکتبه الفقیه.
- اندیشه حوزه- ش ۸۰-۷۹